

آناتول لیون<sup>۱</sup>

گوآم، اغلب تنها GU یا GA و در مواردی GUA می‌باشد. به همین جهت گفته می‌شود مشارکت واقعی در این گروه از کشورهای شوروی سابق، در حال نوسان است و تا آنجا که همکاری مؤثر بین اعضای آن وجود دارد غالباً بر مبنای تصمیمات دوجانبه است تا چندجانبه. از این جنبه گوآم دارای تشابه خاصی با CIS است که همانا رقابت و انتقام است اما در بسیاری جهات نیز سایه‌ای از آن را داراست.

GUAM شاید نه به‌طور تصادفی، نام یک جزیره تحت کنترل آمریکا و پایگاهی استراتژیک در اقیانوس آرام - از یک گروه غیرمنسجم شامل گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی به‌وجود آمده که در سال ۱۹۹۹ از یکستان نیز به آن پیوسته است. چهار کشور اصلی عضو در سال ۱۹۹۶ طی کنفرانس پیمان CFE<sup>۲</sup> در وین بیانیه و ابتکار عملهای مشترکی صادر کردند. آنها همکاری رسمی خود را به عنوان گروه گوآم (GUAM) در استراسبورگ در تاریخ دهم اکتبر سال ۱۹۹۷ طی اجلاس سران شورای اروپا اعلام داشتند.

یک ماه بعد در باکو رهبران این گروه مقاوله‌نامه مشترکی مبنی بر تعهد

۱. Anatol Lieven، عضو ارشد بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی مستقر در واشنگتن دی‌سی می‌باشد.

WWW.eurasianet.org / 24 Dec.2000

2. Conventional Armed Forces of Europe Treaty (CFE)

همکاری نزدیک در موارد ذیل را صادر کردند:

- تعاملات سیاسی،
- مبارزه با جدایی طلبی،
- حل مسالمت آمیز اختلافات،
- فعالیتهای حفظ صلح،
- گسترش کریدور حمل و نقل اوراسیا و ماورای قفقاز (تراسیکا)،
- ادغام در ساختارهای امنیتی و همکاری یوروآتلانتیک و اروپایی شامل «گسترش مشارکت ویژه و گفتگو با ناتو».

این نکات، تمام اهداف مشترکی را که کشورهای گوآم تعقیب می کنند و همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با مخالفت با نفوذ روسیه است، در لفاف نازکی می پوشانند. اهداف مزبور در نشستهای متوالی گوآم به طور مرتب تکرار شده اند. در ماه نوامبر در دانشگاه استنفرد<sup>۱</sup> طی برگزاری «کارگاه گوآم» که بانی آن آمریکا بود، حافظ پاشایف، سفیر جمهوری آذربایجان در آمریکا اعلام کرد که گوآم علیه هیچ کشوری نیست، اما در پی آن اعلام داشت که حمایت قوی تر آمریکا از گوآم در جهت کاهش قدرت روسیه در منطقه لازم می نماید.

واقعیت این است که آذربایجان، گرجستان و مولداوی همگی از حرکت های جدایی طلبانه مورد حمایت مسکو در دهه ۱۹۹۰ رنج می بردند و اوکراین نیز همین نگرانی را در گذشته در ارتباط با کریمه داشته است. تمامی این کشورها امیدوار بودند که در قبال امتیازات محدود، روسیه ممکن است به حل این کشمکش ها به نفع آنها، کمک نماید لیکن همه آنها مایوس شده اند. از این رو آنها تأکید زیادی بر تمامیت ارضی خود دارند. هیچ کدام از این سه کشور قادر نیستند توسط نیروی نظامی، پیروزی های جدایی طلبان را تغییر دهند، اما همگی امیدوار به راه حل های مسالمت آمیز به نفع خویش هستند که توسط نیروی حافظ صلحی که خود تدارک

1. Stanford University

دیده‌اند نظارت گردد نه روسیه، چیزی که هم‌اکنون وجود دارد.

همه آنها توجه زیادی به راههای جدید حمل و نقلی به‌ویژه در حوزه انرژی دارند، که ارتباط کشورهای ساحلی دریای خزر را با اوکراین و اروپا در آن سوی گرجستان و دریای سیاه فراهم می‌سازند. این راهها در عین حال روسیه را دور می‌زنند. همگی خواستار حمایت بیشتر آمریکا و ناتو می‌باشند و گرجستان و آذربایجان امیدوارانه از عضویت در ناتو سخن به میان می‌آورند، هرچند احتمال آن برای آینده قابل‌پیش‌بینی وجود ندارد.

در «کارگاه گوآم»، تدوچاپاریدز<sup>۱</sup> سفیر گرجستان در آمریکا اعلام کرد که مادر حقیقی گوآم مذاکرات CFE بوده و دایه آن ناتو می‌باشد. اجلاس آوریل ۱۹۹۹ گوآم که از بکستان نیز بدان پیوست، در واشنگتن و در حاشیه برگزاری پنجاهمین سالگرد ناتو درست به هنگام آغاز مبارزه علیه یوگسلاوی بر سر کوزوو برگزار گردید. این اجلاس برای روسیه یک ائتلاف فوق‌العاده خشمگین‌کننده به حساب می‌آمد.

طی سه سال اخیر، توجه آمریکا به گوآم به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. طی ۸ ماهه اول سال ۲۰۰۰ به‌نظر می‌رسید که گوآم در حال تنزل به GUA می‌باشد. مولداوی در زیر ضربات وابستگی شدید اقتصادی به روسیه، مانند رژیم کریماف در ازبکستان، تا حد زیادی از روند گوآم خارج شد. از آن زمان تاکنون به‌نظر می‌رسد دلگرمی و تشویق آمریکا نقش مهمی را در گردآوری مجدد گروه پیرامون همدیگر ایفا می‌کند که نشانه آن اجلاس استنفرد می‌باشد. رهبران گوآم متعهد شدند تا در ماه مارس در کیف یک دبیرخانه برای سازمان مزبور تشکیل دهند، همچنین مذاکراتی در خصوص تأسیس یک منطقه آزاد تجاری در جریان می‌باشد.

این برنامه‌ها، و همچنین نقش آمریکا، این سؤال را مطرح می‌سازد که حقیقتاً گوآم به دنبال چیست و به چه چیزی می‌تواند دست یابد. نقش اصلی و در واقع تنها نقش گوآم تا به امروز، کمک برای به صدا درآوردن ناقوس مرگ اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع به‌عنوان یک

1. Tedo Japarids

سازمان معنی‌دار است. در حقیقت کارکرد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تا حد زیادی متوقف گردیده است. فعلاً آمیدی برای بازتولید گونه‌ای از اتحاد شوروی وجود ندارد. اگرچه به هیچ وجه روشن نیست که بخش اعظم نخبگان مسکو چنین ایده‌ای را هرگز جدی گرفته باشند. شکست در تحقق بخشیدن به طرح روی کاغذ اتحاد با بلاروس، حاکی از این است که به مدتی طولانی، چیزی که هدف نخبگان مسکو بوده (علیرغم هزینه‌های طاقت‌فرسا و سازوکارهای سیاسی بسیار مشکل) اتحاد کامل نبوده است بلکه یک حوزه نفوذی بوده است که ترتیبات آن می‌توانست به‌طور دوجانبه تعیین شده و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد.

انتصاب بوریس برزوفسکی<sup>۱</sup> به عنوان دبیر کل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۶ دقیقاً حاکی از این است که در همان زمان، رژیم یلتسین اعتماد و علاقه خود را به‌طور کامل نسبت به جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از دست داده بود. در حال حاضر سؤالات فراروی گوآم و حامیان آمریکایی آن عبارت‌اند از اینکه: آیا این گروه می‌تواند از توقف در همگرایی مجدد کشورهای بلوک شوروی فراتر رفته و به یک قدرت جدی ژئوپلتیک در مخالفت با اشکال محدودتر نفوذ روسیه در اتحاد شوروی سابق تبدیل گردد. گوآم همچنین با این چالش روبروست که آیا می‌تواند از یک گروه‌بندی صرفاً منفی ضدروسی به یک قدرت واقعی برای همکاری اقتصادی و امنیتی در منطقه تبدیل شود. تردیدهای قابل ملاحظه‌ای در پاسخ به این دو سؤال وجود دارد؛ زیرا تاکنون دستاوردهای عملی در خصوص مسایل ملموس بسیار اندک بوده است.

چنانچه بیانات پاشایف سفیر جمهوری آذربایجان در آمریکا نشان می‌دهد، یکی از چشم‌اندازهای تمامی نشست‌ها و اعلامیه‌های گوآم، جذب حمایت‌های بیشتر ایالات متحده بوده است. بر حسب توانایی واقعی این کشورها برای کمک به یکدیگر، کشورهای گوآم تداعی‌کننده یک طعنه بی‌ادبانه آمریکایی در مورد کشورهای غیرمتعهد می‌باشند که «ده نفر سیل‌زده به

1. Boris Berezovsky

همدیگر چسبیده‌اند». کشورهای عضو گوآم تماماً دولت‌های ضعیفی بوده که به وسیله نخبگانی چپ‌اولگر اداره می‌شوند. همگی دستخوش رکود شدید اقتصادی می‌باشند، حتی در بسیاری موارد بسیار بدتر از وضعیتی که دامنگیر روسیه شده‌است.

به استثنای ازبکستان و اوکراین، بنیادهای نظامی آنان نیز شدیداً ضعیف است. نهادهای دموکراتیک که یا بسیار ناقص بوده یا اصلاً وجود ندارند، تحقق همگرایی با نهادهای غربی را شدیداً محدود می‌سازند. کشورهای گوآم کلاً فاقد بودجه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های حمل و نقل مشترک می‌باشند و بجز آذربایجان در بخش نفت، هیچ‌کدام قادر به جذب مقادیر معتناهی از سرمایه‌گذاری‌های غربی نبوده‌اند.

قبل از هر چیزی از برکت سطوح بالای فساد، این کشورها آشکارا ناتوانی خود را در استفاده مؤثر از کمک‌های غرب نشان داده‌اند، تا اندازه‌ای که دست‌کم در مورد اوکراین و گرجستان اعطاکندگن کمک در پایتخت‌های غربی را شدیداً ناامید ساخته است. در سال‌های اخیر آمریکا با حداقل تبلیغات، بیش از ۸۰۰ میلیون دلار به گرجستان کمک کرده است که آن را به سومین گیرنده کمک سرانه آمریکا پس از اسرائیل و مصر تبدیل نموده است.

البته، تا زمانی که بلوک آنها علیه نفوذ روسیه هدایت شده، کشورهای گوآم یک امتیاز دارند و آن اینکه روسیه نیز یک کشور ضعیف، فاسد و پُره‌رج و مرج با حاکمانی چپ‌اولگر و نیروهای نظامی بی‌روحیه، بدبین و فاسد است. اما از اینها گذشته روسیه بسیار بزرگتر از مجموع این پنج کشور است. بحران کنونی در گرجستان - ناشی از تحرکات مسکو در خصوص درخواست ویزا و قطع گاز به خاطر عدم پرداخت بدهی‌ها ضربه‌پذیری گرجستان و ناتوانی دیگر کشورهای گوآم - (مثل اوکراین و مولداوی که خود با چنین تهدیداتی روبرو می‌باشند) را در کمک به آنها شدیداً نمایان ساخته است. البته این مسأله میزان محدودیت تعهد غرب در قبال منطقه را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد.

از این رو احتمال زیادی وجود دارد که گوآم فقط به عنوان یکی از مواد تشکیل‌دهنده

سوپ به ظاهر خوشمزه گروه‌بندی‌های بین‌المللی باقی بماند که فاقد خاصیت حقیقی بوده و عمدتاً نتیجه‌اش تولید حجم انبوهی از حرفه‌های تظاهرآمیز مثل سازمان اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا و غیره می‌باشد. تفاوت گوآم با بیشتر اینها در این است که گوآم یک گروه‌بندی بی‌طرف و غیر رقیب برای تمایلات نیک منطقه‌ای یا فرهنگی نیست بلکه علیه منافع استراتژیک - عینی یا ذهنی - بزرگترین کشور منطقه هدایت شده است.

بنابراین خطر این است که گوآم احتمالاً بین دو پرتگاه سقوط کند: به حد کافی استوار نیست که به غرب نزدیک شده و سرمایه‌گذاری اساسی پول یا قدرت را فراهم آورد، برای روسیه این انگیزه کافی خواهد بود تا به همه چیز پشت پا زده و نابود نماید. البته برای وقوع چنین اتفاقی قدرت و عزم روسیه بایستی به مقدار زیادی بیش از آنچه که هست افزایش یابد، اما هم‌اکنون نیز به اندازه کافی آنقدر قوی هست که مشکلات اساسی را برای گرجستان فراهم آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی